گنجینهٔ دستنویسهای پهلوی
و پژوهشهای ایرانی
۷

دستنویس ج ۴

دستورهای دینی آیین باج، چیم درون، باج سیروزه و دعاهای دیگر

به کوشش

دکتر ماهیار نوابی — دکتر کیخسرو جاماسپ اسا

و با همکاری فنی

دکتر بهرام فره‌وشی — دکتر محمود طاووسی

از انتشارات
مؤسسهٔ آسیائی «دانشگاه پهلوی» شیراز

ازاین کتاب ۱۰۰۰ نسخه ، یکصد نسخه روی کاغذ شفاف رنگین ونهصد نسخه روی کاغذسفید
در چاپخانه‌های مؤسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران و شرکت چاپ ایناکوتهران، بچاپ رسید.
۲۵۳۵ شاهنشاهی

سرآغاز

اشارات دانشمندان و فیلسوفانی چون ابوریحان بیرونی و محمد زکریای رازی و شهاب‌الدین سهروردی به حکمت خسروانی و فلسفهٔ ایرانی، تذکر پلینیوس رومی دربارهٔ استفادهٔ هرمیپوس یونانی از کتابهای زرتشتی، مطالبی که در کتابهای قابل استنادی چون مروج‌الذهب، مجمل‌التواریخ والقصص و نامه‌های پیغمبران بنی اسرائیل و احادیث اسلامی آمده است، وجود مراکز مهم علمی در نصیبین و رُها و تیسفون و جندی‌شاپور، ترجمه‌های بازماندهٔ عربی از زبان پهلوی، پیدایش دانشمندان و فیلسوفان و اندیشمندان بلندپایه‌ای در دوران طلائی اسلامی، یعنی دوران خلافت عباسیان، از این سرزمین، که شمار آنها از دانشمندان هر یک از کشورهای اسلامی دیگر و بلکه از همهٔ آنها روی هم بیشتر است.

وجود سنگ نبشته های پارسی باستان و پارسی میانه و پارتی، نامه مینوی اوستا، آثار بازمانده
مانویان به زبانهای پارسیک و پهلوانیک و سغدی و ترکی و چینی و قبطی و کتابهای پهلوی (= پارسیک
چندی که تاکنون بجای مانده‌اند، همه دلالت بر وجود فرهنگ و تمدنی بزرگ و درخشان، از دیرباز،
در سرزمین ایران بزرگ میکند که بر پایه های فلسفه ایرانی استوار بوده است.

علت هرچه باشد، سیاسی یا اقتصادی و یا اجتماعی یا تغییر خط و یا همه آنها باهم، قدر مسلم این است
که بسیاری از آثار مدون دوران ساسانی و آغاز دوران اسلامی ایران از میان رفته است، وعده‌ای
که از دستبرد زمانه رهائی یافته اند در موزه ها و کتابخانه های مهم اروپا و بیشتر در هندوستان و در کتابخانه های
پارسیان نگاهداری میشود. اینها میتوانند روشنگر زوایای ناشناخته تاریخ و فرهنگ کهن ما
باشند. و از این رو نگاهداری و چاپ و انتشار آنها و تشویق دانشمندان به مقابله و تصحیح و ترجمه این گنجینه ها
که ما را به شناخت بیشتر زبان فارسی و غنای آن در بیان مفاهیم یاری میکند، بر ما واجب است.

و باز از این روست که هنگامی که دو دانشمند ارجمند من استاد دکتر ماهیار نوابی رئیس موسسه آسیائی

دانشگاه پهلوی پیشنهاد کرد که برای بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی خجسته دودمان پهلوی شادی روان بنیان گذار آن پنجاه نسخه خطی پهلوی را از سوی مؤسسه آسیائی دانشگاه پهلوی چاپ و منتشر کنیم، این پیشنهاد را از دل و جان پذیرفتیم .

این پنجاه جلد کتاب پهلوی و کتاب بارگاه رضا هدیه هائی است که در این آیین ملی برگزاری جشن پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی با فروتنی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر ریاست عالیه دانشگاه پهلوی و علیا حضرت شهبانو فرح ریاست عالیه مؤسسه آسیائی دانشگاه پهلوی تقدیم میشود .

فرهنگ مهر

رئیس دانشگاه پهلوی

دیباچه

مؤسسه آسیائی وابسته به دانشگاه پهلوی افتخار دارد که بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی را، مجموعه‌ای، در پنجاه جلد، از دستنویسهای پهلوی و اوستائی و پژوهشهای ایرانی چاپ کند و به دوستداران فرهنگ و ادب ایران تقدیم دارد.

در تابستان سال دو هزار و پانصد و سی و سه شاهنشاهی، در گروهی سخن از خدمات برجسته رضاشاه بزرگ بدین سرزمین و روز تاجگذاری وی (چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ هجری خورشیدی) میرفت، در آن هنگام اندیشه چاپ مجموعه‌ای از متن‌های پهلوی یادبود پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را از خاطرم گذشت و سپس این اندیشه را با رئیس دانشمند دانشگاه پهلوی جناب آقای دکتر فرهنگ مهر، که از شیفتگان فرهنگ ایرانند و از یاری شناساندن این فرهنگ کهن هیچگاه دریغ نکرده و نمی‌کنند، درمیان گذاشتم تا اگر در این اندیشه با من همداستان باشند مرا با

به شرف عرض شهبانوی فرهنگ پرور ایران، ریاست عالیه مؤسسه آسیائی برسانند
مگر اجازه فرمایند تا مؤسسه آسیائی بدین کار شایسته دست یازد.

جناب آقای دکتر فرهنگ مهر با پیشانی گشاده و آغوش باز ازین اندیشه استقبال
کردند و مراتب را به شرف عرض شهبانوی ایران رساندند و دیری نگذشت که فرمان
علیاحضرت شهبانو بدین کار نیک شرف صدور یافت و به مؤسسه آسیائی ابلاغ شد.

شورای استادان مؤسسه آسیائی، با الهام از نام خاندانی، که جشن بزرگداشت
شاهنشاهی آن را، مردم ایران امسال برگزار میکنند، چاپ کردن کتاب یا
دستنویسهای پهلوی را در درجه اول اهمیت قرار داد. کشوری که در آن بیش از هر کشور دیگر میتوان
به دستنویسهای پهلوی و اوستائی دست یافت کشور هندوستان است. هر چند بدبختانه
هوای گرم و نمناک آنجا با کتاب سازگار نیست و کاغذ را زود شکننده و تباه مینماید و می پوساند.
در فهرستی که جمشید کاووس جی کاتراک به نام «گنجینه های شرقی» (ORIENTAL
TREASURES) گرد آورده و به سال یکهزار و نهصد و چهل و یک میلادی (دو هزار و پانصد شاهنشاهی)

به چاپ رسانده است، از بیش از یکهزار دستنویس ایرانی و هندی نام برده که اکنون برخی از آنها از میان رفته است، و این، نه تنها بواسطهٔ آب و هوای هندوستان بوده بلکه بی توجهی و نادانی هم در نابودی آنها بهره‌ای بسزا داشته است. گردآورندهٔ فهرست یادشده به نگارندهٔ این سطور میگفت: «سی سال پس از چاپ آن فهرست گذارم بخانه‌ای افتاد که خداوندان آن صاحب چندین دستنویس پهلوی و اوستائی بودند و من آنها را دیده و پژوهیده و نام آنها را در فهرستم آورده بودم، خداوند خانه بجهان دیگر شتافته بود و چون از کدبانو سراغ دستنویسها را گرفتم، وی آنها را از راه دینداری و برای آنکه مبادا برگ پاره‌های آنها زیر پا بیفتد و برای وی گناهی بزرگ بشمار آید به آب دریا سپرده بود.

با این همه، هم اکنون، چندین صد دستنویس پهلوی و اوستائی در هندوستان هست که تقریباً همه از روی دستنویسهای کهنه‌تر رونویس شده‌اند. بیشتر آنها روزگاری از آنِ کتابخانه‌های شخصی بوده و رفته رفته به کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات راه یافته‌اند تا بیشتر و بهتر از آنها نگاهداری شود و کمتر در معرض نابودی قرار گیرند. از این کتابخانه‌ها میتوان کتابخانهٔ مؤسسهٔ شرقی کاما و کتابخانهٔ «تخت دستور، مهرجی رانا» را نام برد که صاحب مجموعه‌های گرانبهائی از دستنویسهای پهلوی و اوستائی‌اند

پاره ای از دستنویس ها نیز توسط شرق شناسان به کتابخانه های مهم اروپا رسیده اند که مهمترین آنها مجموعهٔ دستنویسهای اوستا و پهلوی « دوازده جلدی کپنهاک است که توسط شرق شناسی بنام وسترگارد به اروپا برده شد و جانشین او کریستین سن CHRISTEN-SEN آنها را چاپ کرد و بر آنها دیباچه نوشت . این کتابها اکنون بسیار کمیاب و چند مجلد آن نایاب است .

برای انجام دادن فرمان ، از دوست دانشمندم دستور کیخسرو جاماسب آسا ، دستور بزرگ شهر بمبئی و رئیس کتابخانهٔ « موسسهٔ شرقی کاما » ، یاری خواستم تا از هیأت امنای کتابخانه های « موسسهٔ شرقی کاما » ، و نخست دستور مهرجی رانا » اجازهٔ عکسبرداری از دستنویسهای پهلوی ایشان را بگیرد و اگر خود یا دوستانش دستنویسهای ارزنده دارند بر آنها بیفزاید ، کار گزینش دستنویسها برای عکسبرداری نیز به عهدهٔ وی واگذار شد تا آنچه را مهم و میسور می داند برگزینند . این کار به دشواری انجام گرفت چه دستنویسها از طرف هیأت امنای کتابخانه ها و خاندان انکلساریا (که چند دستنویس از این مجموعه متعلق به آنان است) تنها به او سپرده شده بود ، و وی ، امانت داری را

رنج سفر بر خود هموار ساخت و با دو جامه‌دان پر از کتاب به ایران آمد، سه ماه تمام از بام تا شام،
در چاپخانه های دانشگاه پهلوی شیراز و دانشگاه تهران گذراند و در همه جا با دستنویسها همراه بود،
من و همدستان من از مؤسسهٔ آسیائی نیز همه جا با وی همگام بودیم تا کار عکسبرداری و چند دستنویس
بپایان رسید ، دستور کیخسرو چندی بعد به بمبئی بازگشت ما نیز برای تطبیق عکسها با دستنویسها و رفع کمبود آنها
در پی وی به هندوستان رفتیم تا این مهم انجام شد. نامه ای نیز به پروفسور آسموسن استاد دانشگاه کپنهاک
نوشتیم مگر اجازهٔ تجدید چاپ دستنویسهای کتابخانهٔ کپنهاک را از ناشر نخستین آنها - MUNKS-
GAARD بگیرد، اجازه گرفته شد و نامه ها به چاپ رسید .

مؤسسهٔ آسیائی سپاس و درود فراوان خود را به پیشگاه شهبانوی فرهنگ پرور که
با فرمان خود این افتخار را نصیبش ساخته، تقدیم می دارد .

از جناب آقای دکتر فرهنگ مهر رئیس دانشگاه پهلوی که در راه پیشرفت کار از هیچ یاری
معنوی و مادی دریغ نکرد سپاسگزار است .

از دستور کیخسرو جاماسب آسا که با یاری وی چاپ این مجموعه پنجاه جلدی میسور میشود

سپاسگزار است.

از پروفسور آسموسن که اجازهٔ چاپ مجموعهٔ اوستا و پهلوی کپنهاک به پامردی او انجام یافت سپاسگزار است.

از دکتر بهرام فره‌وشی مدیر عامل ادارهٔ انتشارات دانشگاه تهران که چاپ کردن بیست و چند جلد از این مجموعه را در چاپخانهٔ دانشگاه تهران پذیرفت و چاپ آنها با مشاورهٔ فنّی وی میسّر شد سپاسگزار است.

از دکتر محمود طاووسی که تطبیق و ویراستن و آراستن هر صفحه از تمام این مجموعه بدست وی و با مشورت وی انجام شد سپاسگزار است.

ماهیار نوّابی

استاد و رئیس مؤسسهٔ آسیائی

پیشگفتار

دستنویس ج ۴ (J4) یکی از دستنویس های مجموعهٔ کتابخانه شخصی شادروان دستوردکترجاماسپ‌جی م . جاماسپ آساست که درشهربمبئی‌جای دارد. اندازهٔ آن ۳۱ × ۱۹/۷ سانتیمتر کاغذ آن دست ساخت و دارای ۲۱۸ صفحه است که بر هر صفحه‌ای ۱۹ یا ۱۷ سطر نوشته شده است. پایان نویس پهلوی آن، در صفحه‌های ۲۰۰ و ۲۰۱ نشان‌میدهد که این دستنویس در بمبئی نوشته شده است و نویسنده آن هیربد جمشید، ادال بهمن جمشیدجاماسپ از شهر نوساری بوده است و نوشتن‌آن را روز گوش از ماه آبان ۱۱۹۱ یزدگردی‌بپایان رسانده است و آن را از روی دستنویس کهنه‌تری که به خط موبد داراب نوروز شاپور از دودمان موبد هرمزدیار هیربد را میار و تاریخ اتمام آن روز خورشید از ماه آبان ۱۰۸۴ یزدگردی (= ۱۶۷۹ میلادی) بوده است رونویس کرده است. این دستنویس "باج"ها با دعاهای زیر را که موبدان در مراسم مختلف دینی باید بخوانند در بردارد.

دستورهای‌دینی آئین باج (پهلوی) چیم درون (پهلوی) باج سیروزه، هوم، دهم، پنج یزد، نریوسنگ، هفتورنگ، آئین چهار باج که در شب سوم پس از مرگ برگزار میشود، باج اردافره‌وش، باج مینوی رام، باج گاهنبار، با ج هفت امشاسپند، نوک ناور، باج تیران‌گان، باج رپیثوین و دعای نیرنگ دین.

برای آئین برگزاری باج و انواع مختلف آن نگاه کنید به:
آئین‌های دینی و رسوم پارسیان از مدی چاپ بمبئی سال ۱۹۲۲ ص‌ص ۳۵۴ – ۳۷۶.
صفحه‌های ۲۰۲ تا ۲۱۸ شاهین باج را با دستورهای دینی آن به گجراتی در بر دارد.
نک. کتاب‌یادشده از مدی‌ص‌۳۷۰ [1] "روایات‌هرمزدیار و دیگران "گرد آوردهٔ دابار[2] چاپ بمبئی سال ۱۹۳۲ ص ۳۴۵ و مجموعهٔ نوشته‌های سانسکریت‌پارسیان از باروچا[3] چاپ‌بمبئی سال ۱۹۰۶، ص ۷۱۱۱.

ماهیار نوابی

(۱) J.J. Modi: Religious ceremouies and customs of the Parsees.

(۲) B.N. Dhabhar, Persian Rivayats of Hormazyar Framarz and others.

(۳) S.D. Bharucha, Collected Sanskrit writings of the Parsis.

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible] ٨
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۲ [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] خشنومن هریه
بالا بخواند اگر در خشنومن سهو افتد یا از گوشه یکی ترا ... بعد از سر نوه
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

١٤ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اگر کاهش توان بید [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اگر کاهی رفیتان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
اگر کاهی او زیرین بید [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اگر کار ماهی اوشان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

روز مهر باشد [illegible] اگر آتش [illegible] باشد

[illegible] انچو [illegible] اگر آتش [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اگر گاهی [illegible] پید

[illegible]

[illegible] اگر گاهی [illegible] پید [illegible]

[illegible]

[illegible] اگر گاه اپیار روز [illegible] پید [illegible]

[illegible]

[illegible] اگر گاهی او [illegible] پید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ایستاه

وبخواند [illegible]

[illegible] گرفته شد خشنومن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] یکی بخواند [illegible] باایستد

[illegible] جود [illegible]

[illegible]

[illegible] قمیتن باشد

[illegible] اگر کاهی او زیرین باشد [illegible]

[illegible] اگر کاهی او شین باشد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پس [illegible]

خود را از اندرون و بیرون صاف و شسته کنید پس (واج گذارید)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

واج [illegible] خود تمام [illegible] ۰ هر گناه که خوب بکنید آن [illegible]

خرد خواندن را حقیقت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] هر گناه که

خوب کنید ۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] این همچون خشنومن دا برسم

[illegible]

[illegible] خشنومن همکاره نیزارکردن نویسیم این است

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible] دراوپسرو
اما الاحیاه باشد
[illegible] شرح نباید شستن
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اگر او نشستن گاه باشد
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] این حقیقت خشنومن یزا
گگاره تمام شد ○ حقیقت برسم ایوخشست بستن انیست ○
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] این تحقیقات پرسم اید

خشت ستی تمام شد :: پس از خوب کراه واج سدرش

یشتن ودین واج درون رت و حرست رت نهن دن و

در واج یاد کردن ه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] یاد تمام کنین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اگر چه واج از خوب بزرگ سیر بود و دیگر سیر بود هم خو
ب نزار کرد دارد و آنه و خشنی کنیده شاید که بیرون اودو پس البتاده
بخوانید همچون :: [illegible]
[illegible] خشنوس چون بله
[illegible]
[illegible] :: پس در اودو پس گاه باید و بخوانید و ::

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] زمین جای شنح تمام کند و وا پیش دست
داست خود لشوید :. و آوی ز دست خود داو فرود و با کوشدا
واواور وآو بر دست راست بر سر پس دا سپ ه

[illegible]

[illegible]

[illegible] سن بس چاشنی بخواید اگر چیزی را از دالست
او فقد باز بگیرند همچون دانستن ۰ واج سروش تمام شد ۰

[illegible]

دربار گفتن [illegible] اوی
این خشنومن [illegible]
[illegible]
[illegible] باید گفتن وورا مرینکان [illegible]
گفتن یاسین ۰

[illegible]

[illegible]
خشنومن [illegible]
خورد را افدرنکان بنمای وکک سپید زرد باید ۰ [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ٥ وار آفریدگان [illegible]

[illegible] ٥ از نگرش ٥ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
:. را آفر نیکان [illegible] . هفت [illegible] سفید ایدیثون
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] درآفرینش آن [illegible]

[illegible] بهفت و کُل چون بوند شکر :: ان شنرین الصفر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

داین قشنوس گاه نباید خواندن :: اگر ازین هرسه گاه خوب کرده

باشد که هرچه بباید خواندن :: [illegible] کردن ٥

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کل وادر نکیری ٥ [illegible]

[illegible]

[illegible] باید خواندن گاه [illegible] شد ::

اگر گاه [illegible] بیند :: [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] باشد باید گفتن

چون پیش نوشت :. از کار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] را آخر یکان [illegible] هفت

و گل هرغوان کون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در آخر نیکان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دوا فریکان [illegible]

بهفت انگر مینو ریخی میرش [illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

در آفرینگان [illegible] محقق [illegible] صحیح در این [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

وكل بلسان او روايه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در [illegible] یادکردن [illegible]

[illegible]

که رواج کرده از اوروپس برون آمده و بخوانند از و من [illegible]

[illegible]

هرچه رواج گرفته باشد بخوانند [illegible]

[illegible] ازاوروکیا برده و زوش گفتن

[illegible] راسپ

[illegible]

[illegible] زوش [illegible]

زوش و راسپ هردو گفتن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] زوتی درواج یکردن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] زوتی [illegible]

[illegible]

[illegible] زوتی [illegible]

[illegible] برسوم اندر برسو

بدان نهادن و از بهر دو دست درون جاشنی کردن :: راسپی دست

شستن و زوتی درون اندر از کنار نشستن و باز کشد او اورور

وآب به بهر و راسپی بخرانده

[illegible]

[illegible]

[illegible] و چاشنی بکردن :: واج تمام

شد [illegible] و دراخر نیکان

[illegible] سر س کل اسپ سپنیر شنی فرخ خرود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آفرنگان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] درآفی مکان [illegible]

[illegible] سکی وادز مکوی نیچ گلباش [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۱ درآفرینگان [illegible] سر سر و گُل [illegible]

[illegible] درآفرینگان [illegible]

سر سر درآفرینگان گُل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] درآفرینگان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

درآ فرنیکان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در آفرینگان [illegible] وکل

ایشان گوناگون پایدشتن [illegible] زاند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در آفرینگان [illegible]

[illegible] و گل [illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] در آفرنيكان [illegible]
[illegible] وكل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در [illegible] واج کلیروز

[illegible]

[illegible] نباید خواندن در خوب [illegible] کاره باید

خواندن ٥ [illegible] درآفرینگان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در آفرینگان [illegible]

[illegible] گوسپند نبیدند گوسفند که از [illegible] خوردن

کشته [illegible] سرش باید [illegible] شستن [illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] درا فرشکان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] چو یا میش یا آهو یا هر چه که اندر گوسفند یا شد و در
خوردن نباید از برای خوردن حلال کرده باشد و اشن بینیه
هم مرا یزد نشتن :: چون گفته اند ۰ ۰ ۰ ۰ ۰
[illegible]
[illegible]
ازپرواره
کی هر گوسفند تمام نباشد گوش چپ و دیده چپ و زبان
باید
ایادرون نشتن :: چنانک گفتند ۰ [illegible]
[illegible]
و اگر هم مرا نیزد چون از ور نوشت باید نشتن ۰

مُرغان

• این سرود غان پشتن ∴ واج ننیت کوشش ایزد پشتن
واج گوش ایزد چو که از ور نوشت باید پشتن مُرغ که در خور
غی واجب باشد ۞ [illegible] •
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ۞ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

او [illegible] خدا نخواسته اگر و کار [illegible] چون شود

یک واژ اردا فروش پشتی این چنین حقیقت ازدیدن

کیتاب نوشته ام از خود ند :: [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دستور کامدین

ن پور از ولایت آورده بود از روایت می نویسم ::

واندرین روز اینها واج نباید نشستن یکی دیپادر و دیگر دیپمهر

و سدیگر مهر و چهارم سروش و پنجم فروردین و ششم

رام هفتم اردیبدین و هشتم انارام در این روزها نبا

ید نشستن و دیپادر دیپمهر و دیپدین چرا که [illegible]

[illegible] مرآید [illegible] نباید خواندن

و در دی ماه تمام نشستن و در هر ماه هشت روز نشستن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در گاه ادون و رفتین نشستن

ن ید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] هر که پیش بخواند و پس بیا مرو انارام
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روز بهرکتند
زارام
نجز اندوسی بهرام فرامرزان وکی [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] … درین وراج پنج گه باید خواندن اگر در گه اوزیرن وراج

بزبد اول اوزیرین بخوانند و پس ۴ ون در نستن بخوانند و
پس اویسرو تهریج واوسهن بخوانند اگر درگاه ۴ ون واج
... که از ۴ ون تا اوشهین بخواند ه ... ه

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ار دو اوزیر

ین گه واج یزید اول اوزیرین گه بخواند پس ۶ اون وا قدش

خواندن

ویس اولسرو نبرد واو نشین مهیرون [illegible]

[illegible]

بیج گه بخواند [illegible]

[illegible] اوز وباه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] درواج یاوکرون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] را سپه بگرون آمدن

بخواندن [illegible]

[illegible]

پس اندرون اوروليس [illegible] خواندن [illegible]

[illegible] تا ورزوش

بخواندن [illegible] هر [illegible] خواندن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] درواج باد تمام کردن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اسم و بر دیر آتش

نهادن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] پرسم از ایرسوان نهادن و دادن چاشتی یکشد

و پس واج • یکشد آتش و درگاه و بیرون نهم آتش برکان ناداران

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بوزدویم موبد خوب ناور دارنده برشنوم هفت تاک از اریا لکین
پیتن و ۳ ردون و ۳ فرستت نهادن و ایم و یوی ۳
۳ نهادن بر سنگ اورویس و آتش معطل داشتن و نوناو
بستن نشستن دست شعمه بر دست چپ برشنوم دادن شیار کردن

[illegible]

[illegible] یاد نام کردن [illegible]

[illegible]

[illegible] که یکی خواندن در جا که که واج بریدان که باید خواندن

[illegible]

[illegible] واج سروش تمام را نشر درا اسپ واج گرفتن
[illegible] باید خواندن چون که نیم کشی از واز
کشته السید باید کردن واج تمام سروش و پاشی گند و اسپ خود

واج هشتن و اورا بهرن واج بخوانند و پس واج بگذارند ه

و آفرینگان سروش زوت ناوررا یکتا نیز ه بدکرده

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چو از سیم واج سیم واژه بشتن ه برسم حقیقت تا کرستن دو

دوون و دو فرست پاک شوا و آب واورار وریسم و برد

برسکر او و پس نهادن و آتش فعالی داشتن و بردست

چپ ناورارا برسم دادن و یاد کردن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که هرچه بشد بخواند و روز و ماه هرچه بشد بخواند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] یاد تمام کردن [illegible]

گفتن

[illegible] اوستن را [illegible]

[illegible] ا [illegible]

[illegible]

آفرینگان سی روزه ناوا خوردن پس از خوردنی خورده بکردن ناوا

بروز چهارم وباج [illegible] فرود نشستن و [illegible] نگرستن دو داون ووو فرست باب مان خود درون خون که پیش نوشته شد باید کردن ناور باج نشستن وواسپ واج [illegible] فتن و [illegible] باید گفتن وباج [illegible] تمام کردن

آفرینگان دادار هرمزد ناور خوردن پس ناوا مراتب شود

داین باب [illegible] چون دانستن که روز اول ناور را خوب بیغ نوذ ناور نوشتن کردن وباج ستیر ناور نشستن و روز دویم نو شتن سروش نشستن وباج سروش نهادن و روز سیوم نو شتن سی روزه نشستن وباج هم سی روزه باید نشستن و روز چهارم نوشتن ویسفرد نشستن وباج دادار هور مزد نشستن وباج ناوا تمام شد

بروز هورمزد ماه فروردین وباج وتنت نشستن و در دست راست یک نوه کرده داشتن و بلاف راست یک سنگ بگذاشتن بر آن سنگ ابه سین را کشتن وزرن نجو انده خوانده بر سنگ نه کره زدن

داین واج باد دو بیشه ودرآفرینگان بیتار هرویر بهسفت دروج
بادکرد ن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] خشنو من [illegible] بار گفتن
[illegible] خشنو من خزون پیش تو [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] واج تمام کردن ۞ و دیگر واج [illegible] مزد لشتن ۞ درین روز نوروز عامه گفت پیدا ن کرد این نوروز نهاده اند اول آن بود که آغاز آفرینش دنیا بر ده گشته و دیگر جمشید در آذربایجان بر تخت سلطنت نشست در این روز [illegible] کیان تخت جمشید از زمین بر خواسته و بر هوا سیر نمود چون خلایق آن حالت را دیدند گفتند این روز نوگشت جمشید را که عرب حضرت سلیمان پیغمبر گویند در اول اسم آن جم بود از سبب نور که ایزد تعالی بر او کرامت فرموده بود او را جمشید گفتند و نوروز در فرس معروف است که چون در وقت نوروز خسروان بر تخت می نشستند و پنج روز نوبت هر کس روا می نمودند و حاجت های فراوان [illegible] کس می کردند ۞ ۞ ۞ ۞

بروز اسفندارمد ماه فروردین [illegible] اولشتن واج ارداقروردشتن دار واسپه [illegible] چنین فرموده گشت بایدشتن ۞

واج روز خرداد ماه فروردین [illegible] درین واج آتش بیاید و [illegible] باید خواندن و درین واج یاد [illegible] باید و در آفرینگان بها اهر و بیر هفته گفتن ۞ یاد کردن [illegible] ۞ ۞

[illegible]

[illegible] این واج تیشن

تمام کردن   درین روز بیشن زعشرت مشغول میشدند واین روز مخصوص عشرت بادشاهان گشته بقول بعضی این روزیست که لم ولش اشو بر جمشید نازل شد و بشارت داد مردم را ایمن بیکی ونیکو دوستی و جابش چنان گویند که مدت حکمت صد سال مردمان صحیح وسالم بودند هیچ کس لسی بلکی بوخو و مدارا از ایشان ساقط شده بود گویند توبه حضرت آدم درین روز قبول حق تعالی کردید ودرین روز جمشید بگردش از جهان گذرانید وتمام جهان نمای درین روز جمشید دادند چون واقعات درین

روز واقع شد بهمن و جلوس تخت شید در آذربایجان مرتبه ثانی روز
بود این روز را بدین سبب عزیز دارند و عشرت نیکو کنند و اید دنی
لی روز بر مردمان قسمت کنند ❁ آبان روز فروردین ماه قد
یم گویند آبان نام فرشته است موکل بر آبها و صدقی رسیان است
و در آب روند و عشرت کنند و اگر درین روز باران نازل شود آبا
ن گاه مردان خوانند و در انسال باران های نیکوی و نفع باد و
اگر باران نازل نشود آبان گاه زنان خوانند و هم شد اهل عراق
گویند و هر میوه که درین روز چیده شود و نگاه نکرد ❁

روز ارتشونگ ماه فروردین واج ارداقروش نشتن بدین
سبب که بزرگان بهدینان از ایران در هندوستان رسیدند پس در
جنگ دشمنان و دیران لشکر ازان سبب واج ارداقروش باید نشتن

❁ ❁ ❁ ❁ ❁

روز اردیبهشت ماه اردیبهشت واج اردیبهشت می گفتند نشتن
درین روز جشن است بهدینان درین روز با آتش (خانها) گاه روند و
آتش افروزند و بوی های خوش و عطر بسوزانند اردیبهشت باد
شاه بهشت است و ایشان را در بهشت جای خواهد داد و
جشن خوانند ❁ ❁ ❁ ❁

روز آدر ماه اردیبهشت پس از آمدن در هندوستان جشن آتش
بهرام کردن واج آدر ایزد باید نشتن ❁ ❁ ❁

(۵) واج نیرنگان روز تیر ماه تیر در بن روز جشن خوانند (۵)

واج نیرنگان روز تیر ماه تیر در بن روز جشن خوانند ه

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

اشاه واج تیرگان تمام شد تیرگان جشن خوانند این روز آب ریزان
قدیم گشته بسبب آنکه چند سال باران نبارید پس مردمان در این
بجماعت نماز و دعا کردند بقدرت حق سبحانه و تعالی باران بارید
و از آن سبب زن طلا کردند آب بر یکدیگر پاشیدند بغول
بعد آب ریزان اهل پارس و عراق گفته پارسیان گویند در این
روز که قباد با افراسیاب صلح نمود بشرط آنکه افراسیاب
یک تیر بیندازد تا آب از خیر لشکر خود باز دهد از این سبب تیرگان گویند
امرداد روز امرداد ماه جشن است واج امرداد است که گفته بایستی در این

واج [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

درین روز جشن خوانند بهدینان درین روز خیرات و صدقات میدهند
بجهت اینکه فرشته است موکل بر درختان [illegible] و در شب ث نزد باج بهمین
ماه جلالی جشن شده است دران شب آتش افروزند و [illegible]
کنند بسبب آنکه چون آفریدون ضحاک را گرفت و در کوه دماوند در بند
کرد و کارکنان او را مصیبت فراموش شد آفریدون گفت که ضحاک
را جلاد بود که ارمایل نام که هر دم مرا کشتی و مغز سر ایشان
بدون آزاد کرد و بخورد ماران ضحاک داد فریدون فرمود که او را بیاور
اند و بسیار است فرمود ارمایل گفت پادشاه من نیکوئی د
دهقان مردم بسیار کردم زاده بوا این غم نتوانستم که دو کس می

آورد که ایشان را بکشد و مغز سر ایشان را بجهت ماران ضحّاک طعمه سازند و یکی را مرخص بنمودم و عوض مغز سر کوسفند را جای طعمه ماران میخوردم و اکر جهت این احسان مرا شبیه جنیانید الله شتیار با نولست فریدون کفت که صدق این قول چیکونه ظاهر میشود و ارابیل کفت کسانیشان در صحراها مکان دارند و هر نه باج و خراج بجز میدهند و هرکاه سفر فرمایی را ایشان اکه تا در شب آتش افروزند و ایشان در پای آتش جمع شوند تا ظاهر گردد که چه قدر خلایق هست که ایشان را از کشتن مرخص فرموده اند فریدون ارابیل را فرمود که بفرمایی که آنها آتش افروزند تا ظاهر شود ارابیل بفرموده فریدون عمل نمودند و خلایق را دید که جمع آمده بودند و خوشحال شد و آن جشن را سده نام نهاد بدین سبب صحرانشینان را بلاد کوهستان که منسوب به ارابیل اند و بعضی که پنجاه روز بود از شکستن آن شب سده افروزند و دیگر بدانکه در اول فرزندان آدم در کوه سراندیب جمع آمده بودند و آتش افروختند و یکصد نفر بودند و انرا سده نام نهادند و دیگر ماری بدچشم از سنگ بود بخواست که اورا هلاک کرداند هوشنگ خیدا رشد سنگی برداشت و قصد مار نمود بروی انداخت بر سنگی دیگر خورد آتش بیرون جست بر خس و خاشاک افتاد و مار بسوخت تا

گفت هو نیکو متعجب شد و درود و ثنای ایزد تعالی بجا آوردا
ن را سه نام نهادند مردمان نام روز ماه را بدانند باین سبب
سه را ربا پیل را چنین دانند

شهریور روز شهریور ماه قدیم جشن است که جمشید داد دارای [illegible]
دادار ان سبب جشن دانند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
مهر روز مهر ماه قدیم جشن است و آن شش دارند و آتش نهادن و

[illegible] خوانش درین دراج پادیر باشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

یادشا م خوانون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] مهر روز مهرماه قدیم جشن است آن روزیست که فرید
ون ضحاک را بگرفت در زمین بابل اورا در بند فرمود و خود بر
جای آن بر تخت سلطنت نشست و این روز را مهرگان
عامه خوانند و مردمان قربانی واجب فرمود از جهت آنکه دفع بلا
های فرزندان خلایق شد و مهرگان خاصه روز بهشت روز رام مهر
ماه قدیم که بیدار آن فریدون در بارگاه بخشش بر خلایق کند و
بخششها بر رعایا ـ شل باخود

روز آبان ماه آبان آبانگان خوانند جای نشستن باد دوازده

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

ا ه و ایاج اوانگان تمام شد

آذرروز

ه آذرروز آذرماه قدیم. جشن است و آنجا اندر ایزدیشتن آتش نهادن

[illegible] خوانان درین

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

در این روز آذر است بهمه نیکی در این روز آیاه آتش خانها وند و آتش افروزند و بریان خورش و بعطر بسوزانند گو نید آتش را در انبر دخره بیافراید و دیوان و دروجان را نیست بکنید و راه بهشت بگشاید و روان ادر را تحت دارید

فروردین روز و آذر ماه قدیم واج فروردیگان نیرنگ شستن نغج
واج اردافروش یشتن چون که پیش نوشته است
در ماه قدیم که در چهار روز جشن است روز اورمزد روز دی بآذر
روز دی بمهر روز دی بدین بدانکه زرتشت سپیتمان در روز دی بمهر از مادر
متولد شده از آن سبب دین چهار روز جشن است واج هورمزد
باید یشتن

روز خورشید ماه دی در دین روز زرتشت اسپنتمان انوشه روان
درگذران شده است از آن سبب جشن است درین روز واج
اردافروش به نیت زرتشت اسپنتمان باید یشتن و خیرات
و صدقات کردن همه با [illegible] است

بهمن روز بهمن ماه قدیم جشن است مناسب است از خوردن [illegible] شیر
گوسفند بجهت زیادتی حفظ و دانش بسبب آنکه بهمن در [illegible]
جمع شده [illegible] کند [illegible] رسیده باشد درین روز
[illegible] انواع نباتات آراستن شود درین روز واج بهمن کا
یشتن یاد آید بدین طریق

[illegible]
[illegible]
اگر [illegible] نخوانند [illegible]
[illegible] باید خواندن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اگر وام در روز بیوزیر ::

[illegible] بخواند اگر در شب بر :: [illegible]

شاید بخوانند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] روز اسفندارمد ماه اسفندارمد قدیم جشن است که او قدرام نویسند از برای دفع شر حشرات و پارسیان فرا ایام پنج نخوده پنج روز آخر هفته و روز آخر ماههای ایشان روزرورا ورفردنا اتارام است و هر ماه که نام روز و ماه یکی باشد و آنرا جشن دانند و عشرت کنند [illegible] فروردین روز و فروردین ماه قدیم جشن خوانند چون هر روز و ماه یکی باشد یکنند [illegible] روز اسفندارمد ماه اسفندارمد و باج هفت سفند آورید ایشان چون پیش نوشته شد

روز خورداد ماه اسفندارمد انکه نوروز خوردادیم خوانند درین روز جشن است آتش داشتن و باج گرفتن درین باج پازند باشد بدین طریق

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] یادکردن [illegible]

[illegible]

[illegible] آن : چون در برسم خواندن

طریق در اشیه دوام باید خواندن [illegible]

روز زود رین و ماه اسفندارمد درین روز واج خورد دیگان نشستن [illegible]

واج اردا فروشی باید نشستن [illegible]

[illegible] مهر سفند روز اسفندارمد ماه قدیم واج مینو مهر سفند نشستن درین

واج چهار چیز مخصوص باید نشستن یکی می دیگر گل از اسپرغم داعودی

و دیگر شیر و چهارم انار این چهار چیز درین واج نهادن و نشستن

[illegible]

[illegible]

[illegible] چون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ایزارن
درواج [illegible] تا سر خواندن
ودرون چاشنی کردن واج تمام شد
آستا دروز پسیداد بدراه قدیم که درین جهان آمدن ... اشو
فروهر ازاروز

فرودگ از روز آستاد ماه اسپندارمت ماه تمام تا بام هرمزد روز فر
وردین ماه درین ده روز روان اشوان درین جهان می مانند ه

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

درین پنج روز پنجه که ه وخوانند واج اردا فروش شتن ::

حقیقت خوب پنج روز که پنجه ... هرچه خوانند درین پنج روز کار نما خور

۱۲۷ ید برین حدیث باید کردن :: [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] باد تمام کردن [illegible]

[illegible]

تا سر خواندن پس درون چاه [illegible] کردن در این پنج روز ساعتها [illegible] خوب

خورد کردن و بر سر خوب با [illegible] پیراهن در واج دیگر گذارند ∴

∴ ∴ ∴ ∴ ∴

واج در پنج روز ساعتها [illegible] بدین طریق ∴ یاد کردن ∴

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تا سر گفتن [illegible]

[illegible]

[illegible] آنچه [illegible] که [illegible] باشد بخواند [illegible] روز و ماه

[illegible]

[illegible] که تا [illegible] باشد [illegible]

اگر گرانش سیر [illegible] بخواند اگر [illegible] نباشد آنچه در بخواند

[illegible]

[illegible] خُنزمن دوبارگفتن [illegible]

[illegible]

خوانن [illegible]

[illegible] ۞ [illegible]

[illegible] چون در بوسم خوانم دریغی خوانن [illegible]

[illegible]

[illegible] درواج یاد تمام

خوانن [illegible]

[illegible] ۞ باسر گفتن ۞ وراج کاتها بود در پنج روا بدن طرفی

نیشتن هر روز در پنج که نیشتن و در بن وراج یاد رسته باشد ۞ بروز واشتویشت

بکاه پر اوشهین وراج کاتها ببر و اوا فروشی باید نیشتن ۞

۞ ۞ ۞ ۞ ۞

در وراج نیشتن و برشنوم کردن روز و ماه بخوانند آن نوشته است

پیش روز خورد و کلان نیز خورد که باشد در [illegible] ، و در [illegible]

[illegible] . و در شب در ماه گفتن آنرا نخوانند و در

[illegible] نخوانند آنرا کلان [illegible] نیز ۞ اگر روز هاون نمرد [illegible]

[illegible]

[illegible] در کلان [illegible]

[illegible] روز بهمن [illegible]

[illegible] روز نکهره [illegible]

[illegible] روز اردیبهشت [illegible]

[illegible]

[illegible] دروانکم [illegible]

[illegible] روز شهریور [illegible]

[illegible] دروانکم

[illegible] روز اسفندارمد

[illegible]

[illegible]

[illegible] روز خورداد [illegible]

[illegible]

[illegible] روز امرداد [illegible]

[illegible]

روز دیبادر [illegible]

[illegible]

[illegible] روز آذر [illegible]

[illegible]

[illegible] روز آبان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] روز خورشید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] روز ماه [illegible]

[illegible] روز تیر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] روز گوش [illegible]

[illegible] روز دی‌بمهر [illegible]

[illegible]

[illegible] روز مهر [illegible]

[illegible]

[illegible] روز سروش [illegible]

[illegible]

[illegible] روز رشن [illegible]

[illegible] روز فروردین [illegible]

[illegible]

[illegible] روز بهرام [illegible]

[illegible]

[illegible] روز رام [illegible]

[illegible] روز باد

[illegible]

[illegible] روز دیبارن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] روز دین [illegible]

[illegible]

[illegible] روز ارشسونگ [illegible]

[illegible]

[illegible] روز آسن [illegible]

[illegible]

[illegible] روز آسمان [illegible]

[illegible] روز جهیاد [illegible]

[illegible]

[illegible] روز مهرسفند [illegible]

[illegible] روز انارام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] روز [illegible] ودر [illegible] ماه [illegible] آن نوشته [illegible]

اگر ماه فروردین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ماه اردیبهشت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ماه خورداد [illegible]

[illegible]

[illegible] ماه تیر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ماه امرداد [illegible]

[illegible]

ماه شهریور [illegible]

[illegible]

[illegible] ماه مهر [illegible]

[illegible]

[illegible] ماه آبان [illegible]

[illegible]

[illegible] ماه آذر [illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

حقیقت رفیمن یشتن اینست ٥ روز هورخورد ماه فروردین

درین روز فیش یشتن ٥ نخست دراکاه ... هوم پالار

ن ... سیزده تاکربشن ودو ... بر ماه روان نشادن وورس

... ده داشتن وپس ازر فیتن که شده پادیاو و کشتیج کردن وازوی

وراسپی هردو وراج گرفتن ∴ [illegible] یکی ... دو خواندن

∴ [illegible] یکی ... دو خواندن [illegible]

[illegible] دوازده گفتن زوتی دست پاو کردن ونیزد آتش کاه نشادن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سه گفتن آتش پاو کردن [illegible]

[illegible] بوشکر او وپس رسیدن ∴ پادرواج کردن

[illegible]

تمت

حلال فرزندشن یشتن اینست که ... و ماه فروردین ... [illegible]

[illegible]
[illegible] اسو :: زوتی و راسپی هردو وا ضجه گفتن
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] زوتی [illegible]
[illegible] راسپی [illegible]
[illegible] :: زوتی
[illegible]
[illegible]

[illegible] روز وماه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] روز و ماه :

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
روز وا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] گُفتن [illegible]

[illegible] چاشنی کردن :: واج ایشتن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کرده باشد بحکم ببرش بستن و برکناره زود گاه بی جانب دست وا

بست نهادن دار همه کسی دیگر که جوید دبوداد اندیشه باشد هر باید که

حاضر باشد و را سپ بعث ساختن [illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
كرفتن
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بر گرفتن
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] یاد تمام کردن :: رفتن بروز اردیبهشت یا ه
مروارید باید نشستن چراکه خشنودی اردیبهشت می‌آید ازین سبب
اردیبهشت روز متور میفرمایند :: [illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible] آتش بند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

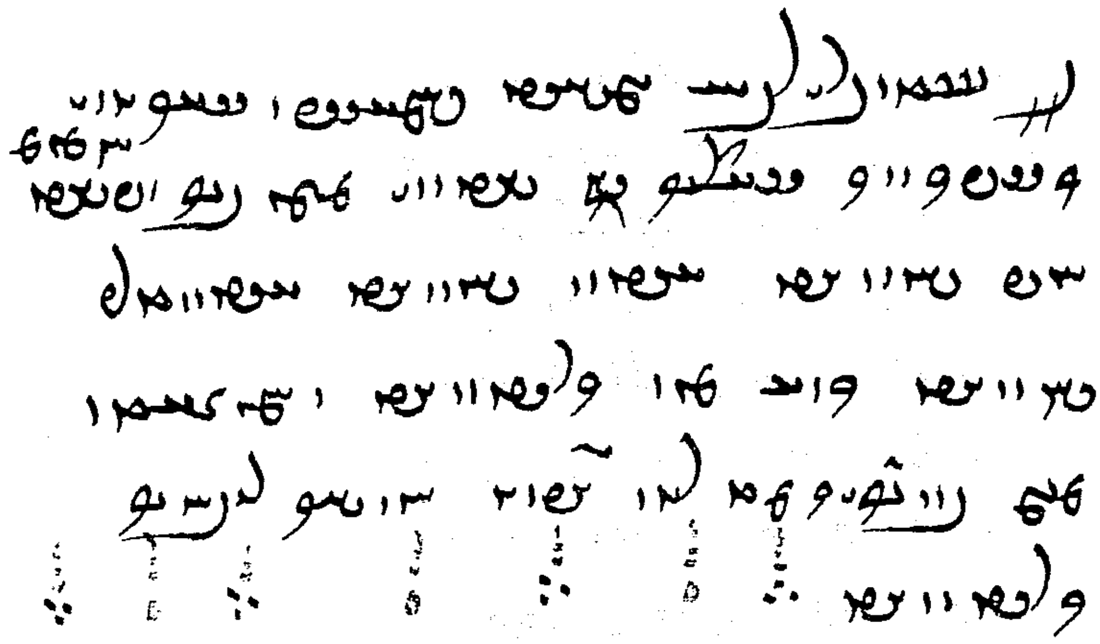
چه در برسم خشنوم کفتن دد اشیه دد اهم اهمو باید گفتن

وباج افتن تمام شد

این روزوماه وسال اصل این کتاب است

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

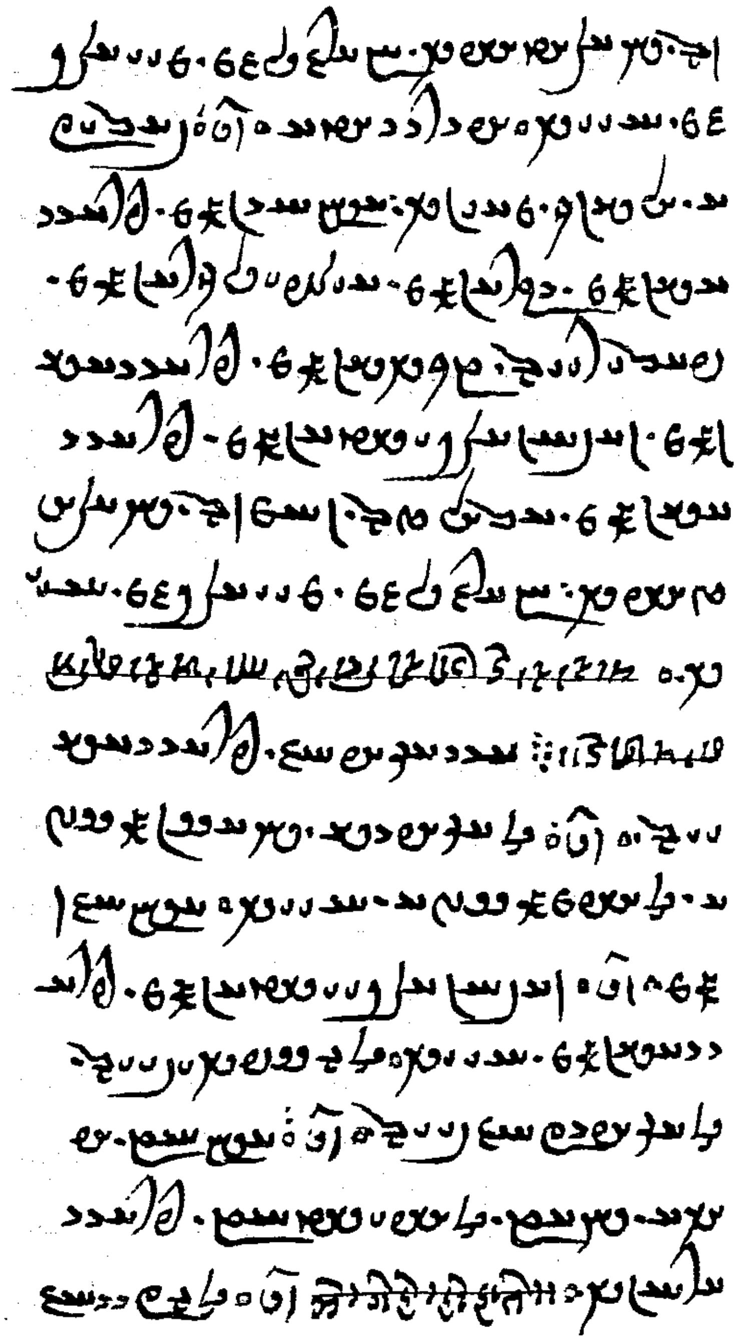


نویسندهٔ این کتاب سویدا [illegible] الدل ولد ماشکر محمد تقی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]



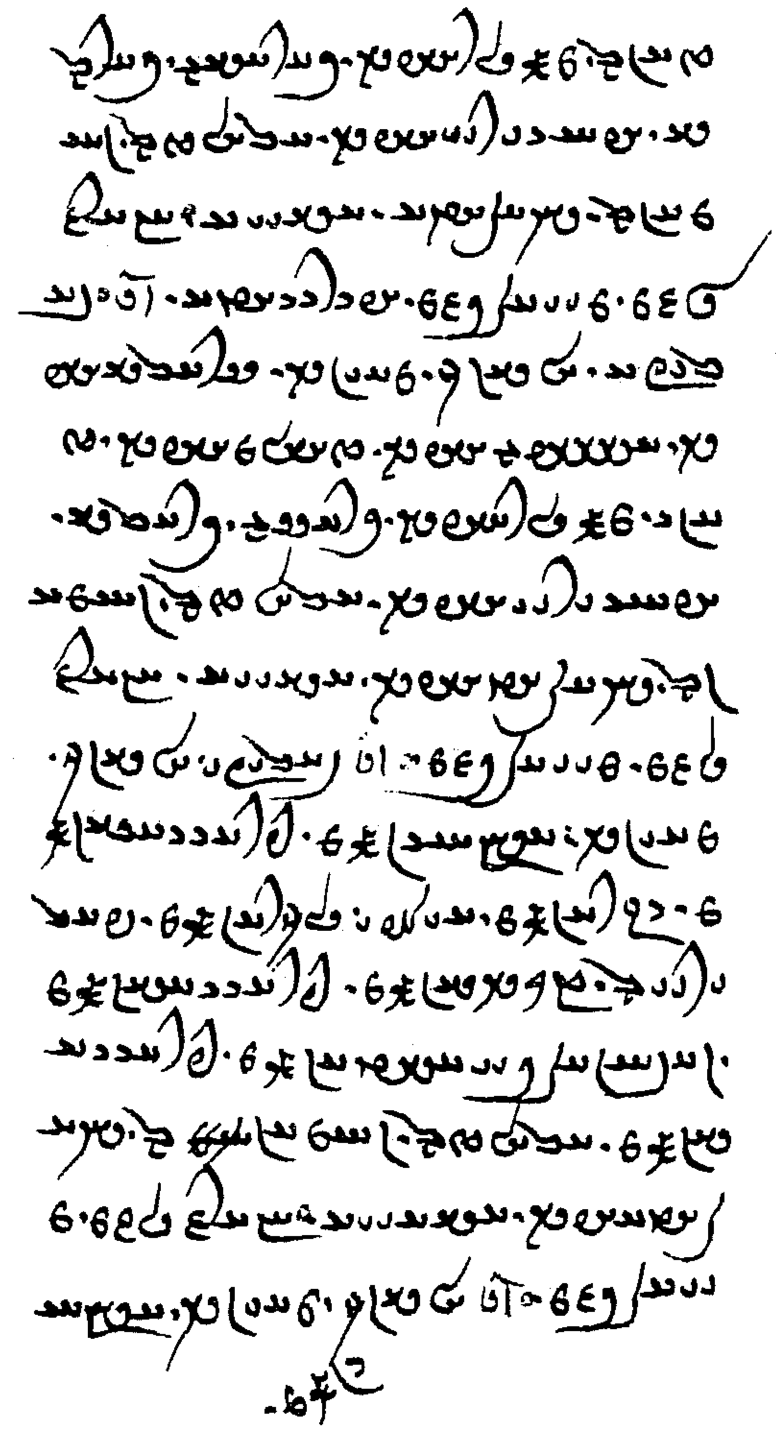
[illegible]

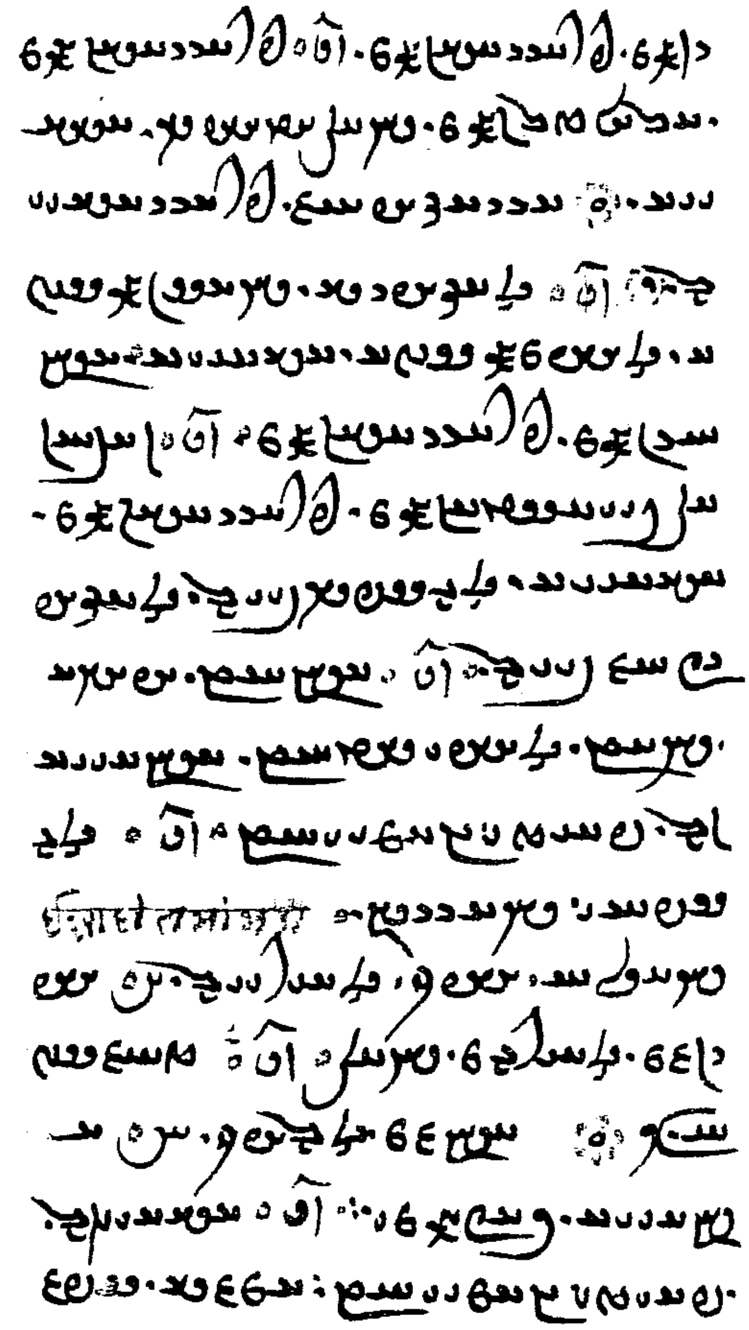
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]





[illegible]

[illegible]

[illegible]

Pages 202-218 contain the Šāhēn Baj with ritual directions in Gujarati. See Modi, op.cit., p.370, B.N. Dhabhar, Persian Rivayats of Hormazyar Framars and others. Bombay 1932, 345 and S.D. Bharucha, Collected Sanskrit writings of the Parsis - I, Bombay 1906, viii.

Kaikhusroo M. JamaspAsa

Introduction

The codex J4 is in the private collection of the late Dastur Dr. Jamaspji M. JamaspAsa of Bombay. The ms (31x19.7 cms) contains 218 pages written 19 and 17 lines to the page on hand-made paper. The colophon in Pahlavi on p. 200-201 reveals that the ms was written and completed in Bombay on the day Gosh month Awan, A.Y. 1191 by Erwad Jamshed Edal Bahman Jamshed Jamasp of Navsari from an older ms written by Mobed Darab Navroz Shapur from the lineage of Mobed Hormazdyar Erwad Ramyar and completed on the day Khurshed month Awan, A.Y. 1048 (= A.C. 1679). The ms contains the following Baj recitals consecrated by the priests in their vocation:

Ritual directions for the Baj ceremony (Pahlavi), the text of Čem i Drōn (Pahlavi), Baj of Sirōza, Hōm, Dahm, Panth Yazat, Nēryōsang, Haftōiring, the four Baj ceremonies consecrated during the third night after death, Baj of Ardāfravaš, Baj of Mēnōy Rām (for the living soul), Baj of Gahāmbār, of Haft Amšāspand, Nōk Nāvar, of Tīrangān, of Rapithvin and the consecration of the Nīrangdīn.

For the Baj ceremony in general and the different kinds of Baj ceremonies solemnised, see J.J. Modi, Religious ceremonies and customs of the Parsees, Bombay 1922, 354-376.

Printed in Tehran by the Tehran University
Press & Inaco Co. Press,
1976.

The Pahlavi Codices and Iranian Researches

MS. J 4

Bāj Ceremony

Edited by :

Dastur Dr. Kh. M. Jamasp Asa Professor Mahyar Nawabi

With the technical assistance of

Dr. M. Tavousi Dr. B. Fravashi

Published by the Asia Institute of Pahlavi University

7

Shiraz. 1976